

به قلم رونالد آلن و گوردون بارور

ترجمه از فریدون موخوف

## جوهر پرستش

اخذ از «پرستش» به قلم رونالد آلن و گوردون بارور

قدری در مورد کلمه جلسه پرستشی فکر کنید. آیا اولین عکس‌العمل شما هم چیزی شبیه این می‌باشد: «همان جلسه ۱۱ صبح یکشنبه را می‌گویی؟» شاید این واژه برای عده‌ای صرفاً به این جهت به کار رود که با آن جلسه صبح یکشنبه را از جلسه غروب و یا جلسه وسط هفته کلیسا مشخص و جدا کنند.

ولی زمانی که شما با این واژه روبرو می‌شوید، چه فکر می‌کنید؟ شاید در فکر شما ساختمانی قدیم تصویر گردد که در فضای آن صدای یکنواخت ارگ پخش می‌گردد و در زیر روشنایی چراغهای کم نور آن عده‌ای در سکوت زانو زده و با خدا در مشارکت‌اند. برای بعضی‌ها این واژه ممکن است تصویری از کلیساهای مدرن امروز را خلق کند که در آن موسیقی مدرن امروز با قوت تمام پخش و مردم همراه با آن می‌خوانند و می‌رقصند و به هوا می‌پرند و فریاد می‌زنند.

آیا کلمه پرستش شما را به یاد کاهنان خرقه پوش و مرّ و عود و مراسم می‌اندازد؟ و یا کلیسایی کوچک در دهی دور افتاده که بر روی آن «محل عبادت» نوشته شده است؟ آیا این کلمه شما را به یاد موعظه و یا مراسم عشا ربّانی می‌اندازد؟ یا خواندن و دعا کردن؟ و یا حمد و تفکر؟

کلمه پرستش از جانب بسیاری از مسیحیان در محدوده تجربیات بسیار وسیع و متفاوتی به کار برده می‌شود؟ پس این هم عجیب نیست که واژه جلسه پرستشی به طرق متفاوت به کار برده شود.

## واکنش در مقابل خدا

این کلمه در تجربیات شما هر مفهومی را که القا کند، باید اساساً از واکنش و پاسخ شخص در مقابل خدا صحبت کند. گرچه بر این مقصد نیستیم که کاربرد مختلف این واژه را از جانب مسیحیان به شکلی مصنوعی محدود کنیم، لیکن با اطلاق این واژه به هر جلسه پرستشی نیز مخالف هستیم اگر در آن جلسه فرصتی واقعی به جهت پرستش خدا نباشد. جلسه پرستشی صرفاً بدین شکل صورت نمی‌گیرد، چرا که زمان مشخصی را در برنامه‌های کلیسایی بدان اختصاص

داده‌ایم. چنان که می‌بینیم در چنین جلسات پرستشی ما، پرستش واقعی خدا بسیار اندک صورت می‌گیرد.

پس، پرستش چیست؟ پرستش واکنشی فعال است که بدان ما ارزش خدا را اعلان می‌کنیم. پرستش منفعل نیست، شریک شونده است. پرستش حالتی نیست که به شکل مودی در آن بیافتیم؛ واکنش از روی آگاهی است. پرستش صرفاً احساس نیست، بلکه اعلان است.

بعضی اوقات واعظین دانشگاه رفته دائم از معنی اصلی واژه‌ها در زبان اصلی عبری و یونانی دم می‌زنند و معنی کلمات را «در متن اصلی» به رخ اعضا می‌کشند، که گویی فقط آنها قادرند از موانعی که زبان لاتین در این مورد می‌آفریند، عبور نمایند. ولی بسیاری از مواقع همین واژه‌هایی که ما در زبان انگلیسی و فارسی برای آنها بکار می‌بریم، باید توضیح داده شوند. در مورد واژه پرستش هم چنین است.

## ارزش و قدر او را اعلان کن

کلمه پرستش در زبان انگلیسی از ریشه آنگلو ساکسون می‌باشد و منظور از آن «قدر و ارزش دادن» به کس و یا چیزی است. و این کلمه در زبان فارسی هم به همین معنی است. زمانی که می‌گوییم: «فلانی پول پرست است»، و یا «بچه‌های خود را می‌پرستند»، از این واژه به اغراق استفاده می‌کنیم. با این وجود، اگر والاترین ارزش برای این شخص در پول باشد و یا بالاترین ارزشها برای او فرزندانش باشد، پس این واژه را به شکلی دقیق بکار برده‌ایم.

پرستش یک شخص و یا یک چیز در واقع به این معنی است که بالاترین ارزش را به او اختصاص دهیم و ارزش و قدر والای او را اعلان کنیم. «الف. پی. مارتین» در راستای همین مطلب چنین می‌نویسد:

«اگر بخواهیم همین فکر را در محدوده روابط خدا و انسان بسط دهیم، تعریف کاربردی بسیار خوبی از این واژه را در دست داریم. پرستش خدا یعنی اسناد کردن والاترین ارزش به اوست، زیرا فقط او است که ارزش دارد.»

## او ارزش دارد

شخصیت خدا و کارهای او باعث می‌شوند که ما جلالی را که شایسته اسم او است، به او دهیم. مطالب مزبور ۹۶: ۷ و ۸ نیز در همین مضمون است.

ای قبایل قوم‌ها خداوند را توصیف نمایید! خداوند را به جلال و قوت  
توصیف نمایید! خداوند را به جلال اسم او توصیف نمایید! هدیه بیاورید  
و به صحنهای او بیایید!

(مزمور ۹۶: ۷ - ۸)

اگر جلالی را که شایسته نام خدا است، به او می‌دهیم، این عمل ما پرستش محسوب می‌شود.  
مزمور آهنگین عهد عتیق با متنی که در مورد پرستش مسیح زنده، آن بره لایق و با ارزش خدا  
مطرح می‌گردد، متعادل می‌شود.

مستحق است بره ذبح شده که قوت و دولت و حکمت و توانایی و اکرام  
و جلال و برکت را بیابد.

(مکاشفه ۵: ۱۲)

خدای واحد مرکب، آن وجود والای کلام خدا، آن متبارک، پدر، پسر، و روح القدس - او شایسته  
است که توسط تمامی مخلوقات در تمامی دوران مورد پرستش قرار گیرد.

پدر، تو را تمجید می‌کنم!

عیسی مسیح، تو را دوست داریم!

روح القدس تو را احترام می‌کنیم!

تو را با اعلان ارزش اصلی‌ات پرستش می‌کنیم.

## او را جشن بگیرید

در اینصورت، جوهر و عصاره پرستش چیست؟ جشن گرفتن خدا! زمانی که خدا را پرستش  
می‌کنیم، او را جشن می‌گیریم؛ او را برمی‌افرازیم، حمد و تمجید او را می‌خوانیم، به او فخر  
می‌کنیم.

پرستش چیزی نیست که گاه به گاه با نوای ارگ در ما شعله گیرد. ما زمانی که با نوای ارگ  
قلبهای خود را با جلال خدا همسو می‌کنیم، خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش صرفاً زمزمه برخی از دعا و سرودهایی نیست که فکر و قلب ما با آن زیاد هم درگیر  
نباشد؛ ما با یکدیگر از طریق سرود و دعا خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش کلمات کلیشه‌ای ما نیست که در مواقع دادن شهادت زندگی آنها را کنار هم بچینیم؛ زمانی  
که به جهت خیریت قوم او به نام او فخر می‌کنیم، خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش افکار خارج از موضوع و نامربوط نیست، چیزی که هدفی را دنبال نکند؛ زمانی که تمامی قسمت‌های خدمات و جلسات ما با هم به سوی هدفی واحد تلاش دارند، خدا را جشن می‌گیریم. پرستش جلسه‌ای اجباری نیست که ما را با اکراه بدان کشند؛ زمانی که او را با صداقت خدمت می‌کنیم، خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش صرفاً نواختن موسیقی نیست» چه به شکلی ضعیف و چه به شکلی زیبا و عالی؛ ما زمانی که در این موسیقی خود را به جهت جلال خدا شریک می‌کنیم، خدا را جشن می‌گیریم. پرستش شنیدن نامتمرکز و اکراه آمیز موعظه‌های طول و دراز نیست؛ زمانی که کلام خدا را با شادی می‌شنویم و اجازه می‌دهیم که این کلام ما را عوض کرده، روز به روز بیشتر ما را به شکل منجی مان درآورد، خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش موعظه‌هایی نیست که به شکلی ضعیف آماده و انجام گیرد؛ زمانی که به کلام او از طریق روح او حرمت می‌نهم، خدا را جشن می‌گیریم.

پرستش شرکت عجولانه در ضیافت خداوند و عشا ربّانی نیست؛ زمانی که فکر خود را عمیقاً روی مفاهیمی مرگ و قیامت او برای ما داشت، فکر می‌کنیم و قلب ما مالا مال از قدردانی می‌شود، خدا را جشن می‌گیریم.

همانطور که روز تولد ما روز جشن و شادی است، سالگردهای ازدواج و لحظات به یاد ماندنی روزهای خوبی که در گذشته داشتیم، به همان شکل جلسه پرستشی ما هم زمان جشن و شادی است.

یکی از بزرگترین دعوت به پرستش جشن‌وار را در کلمات مزامیر ۱۰۰ می‌توان مشاهده کرد. این مزموور ما را تشویق می‌کند که در پرستش خود خدا را جشن بگیریم. این است آن کلمات:

ای تمامی روی زمین خداوند را آواز شادمانی دهید.

خداوند را با شادی عبادت نمایید و به حضور او با ترنم بیاید.

بدانید که یهوه خداست، او ما را آفرید. ما قوم او هستیم و گوسفندان مرتع او.

به دروازه‌های او با حمد بیایید و به صحنهای او با تسبیح!

او را حمدگویید و نام او را مبارک خوانید!

زیرا که خداوند نیکوست و رحمت او ابدی و امانت وی تا ابدالابد.

در خدمت پرستشی که نسبت به خدای زنده و مسیح او داریم، بیایید خدایمان را جشن بگیریم.